

جورج نواک

فلسفه تجربه گرا

«از لاک تا پوپر»

ترجمه: پرویز بابایی



انتشارات آزادمهر

Novack George Evarrd

نواک، جورج، ۱۹۰۵-۱۹۹۲ م

فلسفه تجربه گرا (از لاک تا پوپر) / جورج نواک، ترجمه پرویز بابایی. --

تهران: آزاد مهر، ۱۳۸۴ - ۱۶۰ ص.

ISBN: 964-8477-16-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: EMPIRICISM AND EVOLUTION "A VIEW MARXIST

۱. تجربه گرایی، الف، بابایی، پرویز، ۱۳۱۱-، مترجم. ب. عنوان.

۱۳۶/۳۳

۸ ف ۹ ن ۸۱۶/ B

م ۸۴-۲۴۶۰

کتابخانه ملی ایران

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ می باشد.



انتشارات آزاد مهر

تلفن: ۶۹۶۶۹۱۸

نام کتاب: فلسفه تجربه گرا (از لاک تا پوپر)

نویسنده: جورج نواک

مترجم: پرویز بابایی

چاپ: آینده

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۲۰۰

شابک: ۹۶۴-۸۴۷۷-۱۶-۷

لیتوگرافی: باهر گرافیک (۶۴۶۲۵۶۹)

تهران - خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت، بن بست شهرزاد، شماره ۲۱۶، واحد ۲

صندوق پستی: ۱۳۱۳۵-۷۶۷

E-mail: azadmehr_entesharat@yahoo.com

فهرست

پیش‌گفتار	۵
۱- فلسفه تجربه‌گرا و خاستگاه آن	۹
۲- تجربیان انگلیسی و علم طبیعی	۲۱
۳- دین و مابعدالطبیعه در فلسفه‌ی لاک	۳۹
۴- دگرذیسی تجربه‌گرایی توسط بارکلی	۵۳
۵- شکاکیت هیوم	۶۳
۶- تجربیان سده‌ی نوزدهم از میل تا ماخ	۶۹
۷- آسیب‌پذیری فلسفه‌ی تجربی	۷۵
۸- عادات تفکر تجربی	۹۱
۹- پراگماتیسم و تجربه‌گرایی	۱۱۵
۱۰- ماتریالیسم و تجربه‌گرایی امروز	۱۲۹
کتابشناسی	۱۵۵
فهرست اعلام	۱۵۷

This is

EMPIRICISM AND ITS EVOLUTION

Written by: George Novack

Translated from English

English publisher: PATHFINDER

Translator: parvia babai

www.ketab.ir

پیشگفتار

این روزها اکثر آثار فلسفی — صرف نظر از برخی از آنها که برای استفاده‌ی خواننده‌ی ناآشنا به فلسفه، عامه‌فهم شده است — به دست اساتید دانشگاه برای قرائت سایر دانشگاهیان نوشته می‌شود. این کتاب چنین قصدی ندارد و مخاطب آن بیشتر دانشجویانی هستند که درباره‌ی امپریسیسم یا تجربه‌گرایی و ضمائم آن — پراگماتیسم و پوزیتیویسم — با کتاب‌های مرجع سر و کله می‌زنند و می‌خواهند بدانند این شیوه‌ی تفکر درباره‌ی چه مفاهیمی بحث می‌کند. بنابراین هدف این کتاب پاسخ به پرسش‌های زیر است:

آموزه‌های تجربه‌گرایی چه بوده است؟ این فلسفه چگونه تحول یافت؟ چه نقشی در تفکر غربی ایفا کرد و به کجا انجامید؟ چه تمایزهایی با تجربه‌گرایی نوین دارد؟ این فلسفه چه شیوه تفکری را پرورش می‌دهد و چه خاستگاهی داشته است؟ و سرانجام ماتریالیسم دیالکتیکی چه برداشتی از این نوع فلسفه دارد؟

اصطلاح «امپریسیسم» معنایی دوگانه دارد؛ هم اشاره به نوع خاصی از فلسفیدن است که جای ویژه‌ی در تاریخ اندیشه‌ی مدرن دارد و هم برپاره‌ی شیوه‌های مرسوم تفکر دلالت می‌کند که به عنوان «حس عامه» یا «عقل سلیم» معروف است. این دو وجه فعالیت فکری با یکدیگر همزیستی دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند.

عادات تجربی تفکر به فلسفه‌ی تجربه‌گرا تقدم دارند و دیرپاتر از آن هستند. آنها به خودی خود از نخستین تجربه‌های سطحی و غیرانتقادی زندگی روزانه نشأت می‌گیرند. این روش‌های ابتدایی و نتایج ساده‌شده‌ی تفکر موسوم به عقل سلیم، مبادی تمامی ادراکات ما از دنیای پیرامون است. از آنها به مثابه‌ی مراحل ابتدایی و موقت شناخت نمی‌توان اجتناب کرد. آنها به‌ویژه

در تدارک یک سمت‌گیری مقدماتی در نظر یا عمل در میان شرایط و محیط‌های جدید مفیدند.

اما از این احساس‌ها و استنتاج‌های ناموثق می‌توان پیش افتاد و آنها را اصلاح کرد. آنها نشانگر آغاز تفکر علمی هستند نه سرانجام آن.

اعتبار مکتب تجربی نخستین بیشتر در به رسمیت شناختن این حقیقت بود که تمامی معرفت به تجربه‌ی حسی عالم خارج بستگی دارد. این اصل بنیادی نظریه‌ی شناخت مکتب مزبور، منبع و قدرت ایده‌ها را به همان اندازه که داده‌های علمی دوران شکوفایی‌اش اجازه می‌داد تبیین می‌کرد.

برخی از فیلسوفان پیشین آموخته بودند که شناخت انسانی باید بر تجربه‌ی حسی استوار باشد. در میان یونانیان، متفکرانی که اختلاف نظرشان در حد اختلاف دموکریتوس و ارسطو بود نقش آغازین را در فرایند شناخت به تجربه‌ی حسی واگذار کردند، حتی مدرسیان برجسته‌ای همچون تامس آکیناس و آلبوت کیو مایل بودند که علم طبیعی‌شان را به جای استناد به وحی مسیحایی - از رهگذر تعبیر عقلانی تجربه‌ی حسی توجیه و تبیین کنند. ولی، این مکاتب باستانی و سده‌های میانی به استثناء اتوم‌گرایان خاستگاه شناخت را در تجربه‌ی حسی، اصل حاکم بر کل نظام فکری خود قرار ندادند. این نوآوری دوران‌ساز متعلق به لاک و جانشینان او بود.

تجربه‌گرایی با انگیزه‌ی دگرگونی بورژوازی جامعه‌ی غربی در اعتلای فلسفه و علم مشارکت داشت. مکتب مزبور با مردود شمردن مقوله‌های مهجور تفکر مدرسی، که زیر سلطه‌ی فتودالسم اروپایی حاکمیت یافته بود، با تأیید ایده‌ها و روش‌های علمی، فلسفه را با نگاه مشتاق‌تری به واقعیت و ابزارهای ثمربخش‌تر شناخت مجهز ساخت. تجربه‌گرایی کلاسیک، با نشان دادن این که تمامی ایده‌های ما، از تجربه - با واسطه‌ی حسیات - نشأت می‌گیرند و سپس با تأمل و بازاندیشی پالایش می‌شوند، و نیز گسترش این اصل تبیین به بسیاری از حوزه‌های شناخت، کمک‌های پایداری را به فهم انسانی انجام داد.

هر مکتب بعدی فلسفه، ناگزیر بوده است با این نظریه‌ی شناخت و یافته‌های آن کنار بیاید. درست به همان‌گونه که بورژوازی پیش‌شرط‌های اقتصادی و نیروهای اجتماعی را برای جایگزین کردن شیوه‌های عالی‌تر تولید ایجاد کرد،

نماینده‌ی تجربی جهان‌بینی او نیز برخی ایده‌های مهم لازمی یک روش کاملاً علمی تفکر را به وجود آورد.

با این همه، این آخرین سخن در فلسفه نبود؛ صرفاً بیان این مطلب بود که شیوه‌های علمی یگانه شگردهای منحصر به فرد و کامل می‌باشند. روش‌های تجربی در علم — گردآوری، مشاهده و مقایسه‌ی داده‌ها؛ آزمایش موضوع‌های مورد مطالعه در هر جا که می‌توانند زیر تأثیر و تغییر قرار گیرند، شمارش و اندازه‌گیری، تحقیق قواعد در جزئیات آزمون. همه اینها به مثابه دستاوردهای پایدار باقی می‌مانند.

اما این دستاوردهای ناگزیر شناخت انسانی و وسایل کشف آن با فلسفه تجربه‌گرایکسان نیست. از لاک تا کنون، این فلسفه بر پنداشت‌ها یا فرضیه‌های فراطبیعی — که تردیدی در نادرست بودن آن نباید داشت — استوار بوده است. بدین‌گونه مکتب مزبور از فقدان وسایل نا کافی تحلیل و تبیین واقعیت رنج می‌برد.

تأثیرات فزاینده‌ی تغییرات در روابط اجتماعی و پیشرفت‌های علم و فلسفه در دو سده‌ی گذشته محدودیت‌های جهان‌بینی صرفاً تجربی را آشکار کرده‌اند، طوری که مکتب مزبور در حال حاضر بیش از پیش از حالت شتاب‌دهنده‌ی پر قدرت فعالیت فکری بیشتر به ترمزی در پیشرفت نظری تبدیل شده است. پیش‌گزاره‌ها و مواضع تجربه‌گرایی انگلیسی در فلسفه از یک سو به واسطه‌ی ماتریالیسم فرانسوی سده‌ی هژدهم و از سوی دیگر زیر تأثیر متفکران آلمانی از کانت، و با واسطه‌ی هگل — تا فوئر باخ، به عقب رانده شدند. آموزه‌های آن با پیدایی ماتریالیسم دیالکتیکی در نیمه‌ی سده نوزدهم به‌طور قطعی غیر تاریخی از کار درآمدند.

البته اکثر متفکران دنیای انگلیسی‌زبان هنوز این واقعیت را نپذیرفته‌اند. آنان هنوز در اسارت تجربه‌گرایی به سر می‌برند و با حرارت این ادعا را که کارآیی این مکتب دیگر به سر آمده است مردود می‌شمارند. در هر دو سوی اقیانوس اطلس برای این باور اصرار دارند که فلسفه‌ی تجربه‌گرا اگر به درستی اصلاح شود و به اصطلاح روزآمد گردد، هنوز بهترین پاسخ به مسائل پر جوانب طبیعت، جامعه و علم است.

این معیاری برای کورته‌فکری اندیشه انگلیسی است که نمایندگان کنونی آن از اساتید تا رهبران حزب کارگر مدت‌ها پس از افشای تناقض، نابسندگی و خطاهای فلسفه‌ی مزبور هنوز به فرضیه‌های تجربه‌گرایانه چسبیده‌اند. ایالات متحده آمریکا نیز از حیث عقب‌ماندگی نظریه از آنها دست کمی ندارد؛ این پایگاه مردم‌پسندترین مکاتب فلسفه — پراگماتیسم و انواع پوزیتیویسم — هنوز به برداشت‌های بنیادی آمپری‌سیسم که جای خود را به دستاوردهای نظری دیگری سپرده‌اند، لجوجانه وفادار است.

هدف این کتاب ردیابی تحول، سنت‌ها و برآیند مکتب تجربی از خاستگاه‌های آن در سده‌ی هفدهم انگلستان تا برخی از مظاهر معاصر آن در نظریه و عمل است. کتاب منبع قدرت و موفقیت‌های امپریسیسم همراه با علل نواقص و ناتوانی آن را بررسی خواهد کرد. این تحقیق ضرورت جایگزینی فلسفه‌ی درست‌تر و جامع‌تری که حقایق اثبات شده‌ی امپریسیسم را جذب کرده اما بر نواقص ذاتی اصول بنیادی آن نیز غلبه کرده باشد روشن خواهد نمود. به مدد اسلوب‌های تحلیل همین فلسفه است که کتاب حاضر سنت تجربه‌گرایانه را به نقد کشیده است.